

## سوره مریم (۱۹)

مکی و شامل نود و هشت آیه  
به نام خداوند بخشنده مهربان

کهیحص (۱)

این یادی از لطف خداوند تو به بنده اش زکریا است. (۲)

وقتی که خداوندش را پنهانی صدا زد. (۳)

گفت: خداوندا، استخوان من سست شده و موی سرم از پیری سفید شده. خداوندا، در کمك خواهی از تو محروم نبوده‌ام. (۴)

من درباره بستگانم بعد از خودم می‌ترسم و زن من نازا است. بنابراین از لطف خودت جانشینی به من بده، (۵)

که از من و خاندان یعقوب ارث ببرد و او را فردی پسندیده ساز. (۶)

ندا داده شد که ای زکریا، مژده پسری را که اسمش یحیی است به تو می‌دهیم و قبلاً کسی به این نام نامیده نشده. (۷)

زکریا گفت: خداوندا، چگونه می‌توانم پسری داشته باشم در صورتی که زنم نازا است و من پیر و ناتوانم. (۸)

فرشته گفت: همین‌طور است که می‌گویی. خداوند تو گفت که این کار برای من آسان است، من قبلاً تو را خلق کردم در صورتی که چیزی نبود. (۹)

زکریا گفت: خداوندا نشانه‌ای برای من قرار بده. فرشته گفت: نشانه تو این است که سه روز در حالی که سالم هستی نمی‌توانی با مردم حرف بزنی. (۱۰)

پس از محراب خارج شد و پیش قوم خود رفت و با اشاره به آن‌ها فهماند که صبح و شب به تسبیح خدا بپردازید. (۱۱)

ای یحیی، کتاب را با قوت بگیر. ما به او از کودکی حکمت دادیم. (۱۲)

به فضل ما مهربان و پاک و پرهیزکار بود. (۱۳)

و با پدر و مادرش خوش‌رفتار بود و زورگو و سرکش نبود. (۱۴)

سلام بر او روزی که متولد شد و روزی که مرد و روزی که زنده شود. (۱۵)

در کتاب از مریم یاد کن وقتی که در مکانی شرقی از خانواده‌اش به کناری رفت. (۱۶)

و پرده‌ای بین خود و آن‌ها قرار داد. ما روحمان (جبرئیل) را پیش او فرستادیم. او برای مریم به شکل انسانی کامل درآمد. (۱۷)

مریم گفت: اگر آدم باتقوایی هستی، من از تو به خدا پناه می‌برم. (۱۸)

گفت: من فرستاده خداوند تو هستم تا پسر پاکی به تو ببخشم. (۱۹)

مریم گفت: چطور من می‌توانم پسری داشته باشم در صورتی که دست بشری به من نرسیده و آدم بدکاری نبوده‌ام؟ (۲۰)

گفت: همین‌طور است، خداوند تو گفت: این کار برای من آسان است. برای این‌که او را آیتی

(نشانه‌ای) برای مردم بسازیم و لطفی از ما باشد. این امری است قطعی و شدنی. (۲۱)

پس مریم عیسی را حامله شد و به جای دوری رفت. (۲۲)  
درد زایمان او را پیش تنه درخت خرمایی برد، گفت: کاش من قبلاً مرده و فراموش شده بودم. (۲۳)

از زیرش صدایی به او گفت که غصه نخور، خداوند تو زیر پایت چشمه‌ای قرار داده، (۲۴)  
تنه درخت را تکان بده تا خرماى تازه برای تو بریزد. (۲۵)  
بخور و بنوش و چشمت را روشن ساز، اگر کسی را دیدی بگو که من روزه‌ای برای خدا نذر کرده‌ام. امروز هیچگاه با کسی حرف نمی‌زنم. (۲۶)  
مریم در حالی که بچه را در آغوش داشت، او را پیش قومش آورد، گفتند: ای مریم، کار زشتی کرده‌ای. (۲۷)

ای خواهر هارون، پدرت مرد بدی نبود و مادرت هم بدکاره نبود. (۲۸)  
مریم به بچه‌اش اشاره کرد. گفتند: چگونه با کودکی که در گهواره است صحبت کنیم؟ (۲۹)  
عیسی گفت: من بنده خدا هستم، خدا به من کتاب داده و مرا پیغمبر ساخته، (۳۰)  
و هر جا باشم مرا بابرکت ساخته و به من تا وقتی زنده‌ام سفارش نماز و زکات کرده است. (۳۱)  
و مرا نسبت به مادرم نیکوکار گردانده و مرا زورگو و بدرفتار نساخته. (۳۲)  
سلام بر من روزی که زاییده شدم و روزی که بمیرم و روزی که زنده شوم. (۳۳)  
این عیسی پسر مریم است، سخن راست و درستی است که در آن شك دارند. (۳۴)  
سزاوار خدا نیست که فرزندی بگیرد، خدا بالاتر از این حرف‌ها است. وقتی تصمیم به انجام کاری بگیرد فقط می‌گوید بشو، همان‌طور خواهد شد. (۳۵)

**عیسی گفت: خدا صاحب اختیار من و شماست، بنابراین فقط او را بندگی کنید (بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای دستوره‌های هیچ‌کس جز خدا نباشید)، راه راست این است. (۳۶)**  
اما گروه‌ها (یهودی و مسیحی) میان خود دچار اختلاف شدند، پس وای بر منکران موقع دیدن روز بزرگ. (۳۷)

روزی که پیش ما بیایند چقدر بینا و چقدر شنوا هستند، ولی ستمکاران امروزه در گمراهی آشکاری هستند. (۳۸)  
آن‌ها را از روز پشیمانی و افسوس خوردن بر حذر دار، روزی که کار تمام شده، ولی آن‌ها در غفلت هستند و ایمان نمی‌آورند. (۳۹)

پیش ما برمی‌گردند و زمین و هر کس که در آن است برای ما باقی می‌ماند. (۴۰)  
در کتاب، ابراهیم را یاد کن، او راستگو و پیغمبر بود. (۴۱)  
وقتی که به پدرش گفت: **چرا چیزی را که نمی‌شنود و نمی‌بیند و ذره‌ای برای تو فایده ندارد عبادت می‌کنی؟ (۴۲)**

پدر، مقداری از علم برای من حاصل شده که برای تو حاصل نشده. از من پیروی کن تا تو را به راه راست هدایت کنم. (۴۳)

پدر، بندگی شیطان را نکن. او نسبت به خداوند بخشنده سرکش است. (۴۴)  
پدر، من می‌ترسم عذابی از طرف خداوند رحمان به تو برسد و تو یار شیطان باشی. (۴۵)  
پدرش به او گفت: ای ابراهیم، آیا از خدایان من روگردانی؟ اگر از این کار دست برنداری تو را **سنگسار می‌کنم، مدتی از من دور شو. (۴۶)**

ابراهیم گفت: سلام بر تو، من از خداوندم برای تو طلب آمرزش می‌کنم، چون او نسبت به من مهربان است. (۴۷)

من از شما و هر چه که غیر از خدا می‌خوانید کناره‌جویی می‌کنم و از خداوندم کمک می‌خواهم، امیدوارم که در خواندن خداوندم آدم بدبختی نباشم. (۴۸)

چون ابراهیم از آن‌ها و چیزهایی که غیر از خدا می‌پرستیدند کناره‌جویی کرد، اسحاق و یعقوب را به او دادیم و هر يك را پیغمبر ساختیم. (۴۹)

و به آن‌ها لطف کردیم، و نامشان را بلندآوازه ساختیم. (۵۰)

در کتاب از موسی سخن بگو، او بنده‌ای مخلص و رسول و پیامبر بود. (۵۱)

از طرف راست کوه او را صدا زدیم و او را برای سخن گفتن نزدیک ساختیم. (۵۲)

و از لطف خودمان هارون پیغمبر را به او دادیم. (۵۳)

و در کتاب از اسماعیل سخن بگو، او در وعده‌هایش صادق و فرستاده و پیامبر بود. (۵۴)

به خانواده‌اش دستور نماز و زکات می‌داد و مورد رضایت خدا بود. (۵۵)

و از ادريس در کتاب صحبت کن، چون او راستگو و پیغمبر بود. (۵۶)

و او را به مقام بلندی ارتقا دادیم. (۵۷)

این‌ها عده‌ای از پیغمبران از نسل آدم و از نسل کسانی‌که با نوح سوار کشتی کردیم و از نسل

ابراهیم و یعقوب و از کسانی بودند که هدایتشان کردیم و انتخابشان نمودیم و خدا به آن‌ها لطف

کرد. وقتی آیات خدای رحمان بر آن‌ها تلاوت می‌شد، با حال گریه به سجده می‌افتادند. (۵۸)

بعد از آن‌ها کسانی جانشین ایشان شدند که نماز را از بین بردند و پیرو شهوات خود شدند، نتیجه گمراهی خود را خواهند دید. (۵۹)

غیر از کسانی‌که توبه نمودند و ایمان آوردند و کار صحیح کردند، آن‌ها افرادی هستند که وارد

بهشت می‌شوند و ذره‌ای به آن‌ها ظلم نمی‌شود. (۶۰)

بهشت‌های جاویدی که خداوند بخشنده از غیب به بندگان‌ش وعده داده، وعده خدا عملی خواهد شد. (۶۱)

در آنجا حرف بیهوده‌ای نخواهند شنید، فقط سلام می‌شنوند و صبح و شب روزی خود را دارند. (۶۲)

این بهشتی است که در اختیار بندگان پرهیزکار خود قرار می‌دهیم. (۶۳)

ما فرشتگان جز به فرمان خداوندت نازل نمی‌شویم. آنچه جلوی ما و پشت سر ما و بین آن‌ها

است مال خدا است و خداوند تو فراموشکار نیست. (۶۴)

(او) صاحب‌اختیار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌هاست می‌باشد. بنابراین فقط او را بندگی کن

(بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای دستورهای هیچ‌کس جز خدا نباش) و در بندگی او

استقامت کن. آیا همنامی برای او می‌شناسی؟ (۶۵)

انسان می‌گوید: آیا پس از مرگ دوباره زنده می‌شوم؟ (۶۶)

آیا انسان توجه نمی‌کند که قبلاً، وقتی که چیزی نبود، او را آفریدیم؟ (۶۷)

به خداوندت قسم که آن‌ها و شیطان‌ها را جمع می‌کنیم و بعد آن‌ها را در حالی‌که در اطراف جهنم

به زانو درآمده‌اند حاضر می‌کنیم. (۶۸)

بعد از بین هر دسته افرادی را که نسبت به خدای بخشنده سرکش‌تر بودند جدا می‌کنیم. (۶۹)

ما کسانی را که برای درآمدن به جهنم سزاوارتر هستند بهتر می‌شناسیم. (۷۰)  
هیچ‌کس از شما نیست که وارد جهنم نشود، این امر حتمی خداوندت می‌باشد. (۷۱)  
بعد کسانی را که پرهیزکار بودند نجات می‌دهیم و کسانی را که ظلم می‌کردند در حالی‌که زانو زده‌اند در آن باقی می‌گذاریم. (۷۲)

وقتی آیات روشن ما برای آن‌ها خوانده شود، افراد بی‌ایمان به افراد باایمان می‌گویند: جای کدامیک از این دو دسته بهتر و محفلش نیکوتر است؟ (۷۳)

قبل از آن‌ها افرادی را که وسایل زندگی و قیافه‌شان بهتر از این‌ها بود نابود کردیم. (۷۴)  
بگو: خدا افرادی را که گمراه هستند در آن راه کمک می‌کند تا وقتی که عذاب یا قیامتی را که به آن‌ها وعده داده شده ببینند، آن وقت می‌دانند جای چه کسی بدتر و سپاهش ضعیف‌تر است. (۷۵)  
خدا هدایت کسانی را که هدایت شده‌اند می‌افزاید و پاداش کارهای خوب باقی‌مانده پیش خداوندت بهتر و خوش‌عاقبت‌تر است. (۷۶)

آیا کسی را که منکر آیات ما شد دیدی که می‌گفت: حتماً به من مال و فرزند داده خواهد شد. (۷۷)  
آیا از غیب خبر داشت یا از خداوند رحمان قولی گرفته بود؟ (۷۸)

این‌طور نیست، ما آنچه را می‌گویند می‌نویسیم و عذاب او را پیوسته زیاده‌تر می‌کنیم. (۷۹)  
و آنچه را که می‌گویند (مال و فرزند)، برای ما به جا می‌گذارد و تنها پیش ما می‌آید. (۸۰)  
غیر از خدا معبودهایی برای خود گرفتند (بنده غیر خدا شدند و از دستوره‌های غیر خدا پیروی کردند) تا باعث عزت آن‌ها شوند. (۸۱)

این‌طور نیست. ایشان (معبودانشان) منکر عبادت (بندگی) آن‌ها می‌شوند و مخالف آن‌ها خواهند بود. (۸۲)

آیا متوجه نشده‌ای که ما شیاطین را پیش افراد بی‌ایمان فرستادیم تا آن‌ها را به گناه تشویق کنند؟ (۸۳)

درباره آن‌ها عجله نداشته باش، ما روزها را می‌شماریم. (۸۴)  
روزی که افراد پرهیزکار را دستجمعی با احترام پیش خداوند رحمان جمع می‌کنیم. (۸۵)  
و گناهکاران را تشنه به سوی جهنم می‌رانیم. (۸۶)  
اختیار شفاعت را ندارند، مگر کسی که از خداوند رحمان عهدی گرفته باشد. (۸۷)  
گفتند: خداوند رحمان فرزندی گرفته. (۸۸)

واقعاً سخن زشتی گفتید. (۸۹)

نزدیک است آسمان‌ها از این سخن بشکافد و زمین پاره شود و کوه‌ها فرو ریزند، (۹۰)  
که برای خداوند رحمان فرزندی قائل می‌شوند. (۹۱)

سزاوار خداوند رحمان نیست که فرزندی بگیرد. (۹۲)

تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند با بندگی (اظهار کوچکی و اطاعت) پیش خداوند رحمان می‌آیند. (۹۳)

خدا همه آن‌ها را حساب کرده و شماره آن‌ها را دارد. (۹۴)

و همه آن‌ها روز قیامت به تنهایی پیش خدا می‌آیند. (۹۵)

کسانی که ایمان آوردند و کار صحیح کردند، خداوند رحمان محبت آن‌ها را در دل‌ها می‌اندازد. (۹۶)

ما قرآن را به زبان تو آسان کردیم تا به وسیله آن به افراد پرهیزکار مژده بدهی و دشمنان  
سرسخت را بترسانی. (۹۷)

چه اقوام زیادی که قبل از آن‌ها نابود کردیم. آیا یکی از آن‌ها را می‌بینی و کوچک‌ترین صدایی از  
آن‌ها می‌شنوی؟ (۹۸)